**انتظارات امام حسن مجتبی علیه السلام از شیعیان**

آنچه پیش رو دارید، بیان برخی انتظارات و توقّعاتی است که امام حسن مجتبی علیه السلام از امت اسلامی؛ به خصوص از شیعیان دارد.

1. خدا محوری

امام حسن مجتبی علیه السلام که خود خدا محور و سرا پا اخلاص بود، از امت اسلامی و شیعیان خویش توقّع و انتظار دارد که رضایت الهی را محور فعّالیت خویش قرار دهند.

امام، گاه با بیان زیان مردم محوری و خارج شدن از محور رضایت الهی، به خدا محوری دعوت می کند: مَنْ طَلَبَ رِضَی اللّهِ بِسَخَطِ النّاسِ کَفاهُ اللّهُ اُمُورَ النّاسِ وَ مَنْ طَلَبَ رِضَی النّاسِ بِسَخَطِ اللّهِ وَکَّلَهُ اللّهُ اِلَی النّاسِ؛(3) هر کس رضایت خدا را بخواهد هر چند با خشم مردم همراه شود؛ خداوند او را از امور مردم کفایت می کند و هر کس که با به خشم آوردن خداوند دنبال رضایت مردم باشد، خدا او را به مردم وا می گذارد.

و گاهی امام فوائد خدا محوری و در نظر گرفتن رضایت الهی را به زبان می آورد: اَنَا الضّامِنُ لِمَنْ لَمْ یَهْجُسْ فی قَلْبِهِ اِلاّ الرِّضا اَنْ یَدْعُوَ اللّهَ فَیُسْتَجابُ لَهُ؛(4) من ضمانت می کنم برای کسی که در قلب او چیزی نگذرد جز رضا [ی خداوندی]، که خداوند دعای او را مستجاب فرماید.

2. فراگیری دانش

علم و دانش کلید خیرات و دستیابی به سعادت است. بدون دانش نه راه سعادت معلوم است و نه حرکت ممکن؛ به همین جهت از مهم ترین مأموریتهای انبیا و امامان در طول تاریخ، تعلیم کتاب و آموزش مسائل دینی و تربیتی بوده است.

از مهمترین توقّعات امام حسن علیه السلام از شیعیان، این است که اهل دانش و فراگیری حکمت باشند.

امام حسن مجتبی علیه السلام فرمودند: «عَلِّمِ النّاسَ عِلْمَکَ وَ تَعَلَّمْ عِلْمَ غَیْرِکَ؛(7)دانش خود را به مردم بیاموز و دانش دیگران را یادگیر.»

خداوند تمام امکانات فراگیری دانش را در اختیار ما قرار داده است. لذا لازم است که از چشم و گوش و فرصتها بیشترین استفاده را ببریم و با فراگیری دانش، شک و شبهه را از دل و درون خویش بیرون برانیم.

امام حسن علیه السلام فرمود: «اِنَّ اَبْصَرَ الاَْبْصارِ ما نَفَذَ فِی الْخَیْرِ مَذْهَبُهُ وَ اَسْمَعَ الاَْسْماعِ ما وَعَی التَّذْکیرَ وَ انْتَفَعَ بِهِ وَ اسْلَمَ الْقُلُوبِ ما طَهُرَ مِنَ الشُّبَهاتِ؛ به راستی، بیناترین دیده ها آن است که در خیر نفوذ نماید، و شنواترین گوشها آن است که تذکّرات [دیگران] را بشنود و از آن بهره مند شود و سالم ترین دلها آن است که از شک و شبهه پاک باشد.»(8)

3. اندیشیدن و تفکر

علم و دانش آنگاه نتیجه بخش و ثمر ده خواهد بود که با تفکّر و تدبّر همراه باشد. خواندن و فراگیری قرآن نیز آنگاه مفید و مثمر خواهد بود که با تدبّر و تفکّر همراه شود.

لذا امام مجتبی علیه السلام می فرماید: اُوصیکُمْ بِتَقْوَی اللّه و اِدامَةِ التَّفَکُّرِ، فَاِنَّ التَّفَکُّرَ اَبُو کُلِّ خَیْرٍ وَ اُمُّهُ؛(9) شما [شیعیانم] را به پروا پیشگی و اندیشیدن دائم سفارش می کنم؛ زیرا تفکّر پدر و مادر [و ریشه و اساس] تمامی خوبیها است.

در جای دیگر فرمود: عَلَیْکُم بِالْفِکْرِ فَاِنَّهُ مَفاتیحُ اَبْوابِ الْحِکْمَةِ؛(10) بر شما لازم است که اندیشه کنید؛ زیرا فکر کلیدهای درهای حکمت است.

گاه دل مولا امام حسن علیه السلام بدرد آمده و با زبان گلایه اظهار می دارد: عَجِبْتُ لِمَنْ یتَفَکَّرُ فی مَأْکُولِهِ کیْفَ لا یَتَفَکَّرُ فی مَعْقُولِهِ فَیُجَنِّبُ بَطْنَهُ ما یُؤذیهِ وَ یُودِعُ صَدْرَهُ ما یُرْدیهِ؛(11) در شگفتم از کسی که در [چگونگی استفاده از] خوراکیهای خود اندیشه می کند ولی درباره معقولات خویش اندیشه نمی کند. پس از آنچه معده اش را اذیت می نماید دوری می کند، در حالی که سینه [و روح] خود را از پست ترین چیز پر می کند.

4. تلاش و کوشش

فکر و اندیشه، و یا تامّل و تدبّر، آن گاه ارزش حقیقی و عینی خویش را نشان می دهد که منجر به عمل و تلاش و سعی و کوشش شود، وگرنه تفکری که منهای عمل باشد، ارزش واقعی نخواهد داشت. در واقع فکری مطلوب و کارساز است که به عمل و تلاش بینجامد.

یکی از انتظارات امام حسن علیه السلام این است که بندگان الهی در کنار علم و اندیشه، اهل تلاش و عمل باشند: اِتَّقُوا اللّهَ عِبادَ اللّهِ وَ جِدُّوا فی الطَّلَبِ وَ تِجاهِ الْهَرَبِ وَ بادِرُوا الْعَمَلَ قَبْلَ مُقَطِّعاتِ النَّقِماتِ وَ هادِمِ الَّذّاتِ، فَاِنَّ الدُّنْیا لا یَدُومُ نَعیمُها وَلا تُؤمَنُ فجیعُها وَلا تَتَوَقّی مَساویها، غُرُورٌ حائِلٌ وَ سِنادٌ مائِلٌ؛(12) ای بندگان خدا! پروا پیشه باشید و برای رسیدن به خواسته ها تلاش کنید و از کارهای ناروا بگریزید و قبل از آنکه ناگواریها به شما روی آورند و نابود کننده لذات [یعنی مرگ] فرا رسد، به کار[های نیک] مبادرت ورزید، پس براستی نعمتهای دنیا دوام ندارند و [کسی از] خطرات و بدیهای آن در امان نیست. [دنیا] فریبکار زودگذر و تکیه گاهی سست و بی اساس است.

حضرت مجتبی علیه السلام ضمن تاکید بر اصل تلاش و عمل گوشزد می کند که انسان هم باید برای دنیا کار و تلاش کند و هم برای آخرت. کلام نغز و دلنشین امام حسن علیه السلام در این باره چنین است: وَ اعْمَلْ لِدُنْیاکَ کَاَنَّکَ تَعیشُ اَبَدا وَ اعْمَلْ لآخِرَتِکَ کَاَنَّکَ تَمُوتُ غَدا؛(13) برای دنیایت چنان کار کن که گویا برای همیشه [در این دنیا] خواهی بود. و برای آخرتت [نیز چنان] سعی و تلاش کن که گویا فردا از دنیا خواهی رفت.

طالب علمی به عالمی گفت: نیمه شبها و قبل از سحرها بیدار می شوم، درس بخوانم بهتر است و یا نماز شب؟ عالم در جواب او گفت: کاری کن که هم درس بخوانی و هم نماز شب. نه درس فدای نماز شب و عبادت شود، و نه عبادت فدای درس و منبر، نه کار بخاطر عبادات مستحبی و... کنار گذاشته شود، و نه عبادات واجب و مقداری مستحبّ بخاطر کار یا اضافه کاری به تأخیر افتاده و یا از دست برود.

5. صبر و بردباری

از یک سو دنیا جای حوادث و مصائب است و از طرف دیگر، انجام عبادات و کنترل شهوات نیاز به قدرت و نیرو دارد، آنچه انسان را در مقابل حوادث و مصائب، نیرومند و مقاوم می سازد، صبر و بردباری است و آنچه انسان را بر انجام عبادات نیرو و توان می بخشد، استقامت و پایداری است. و آنچه انسان را بر شهوات غالب و پیروز می سازد، صبر و پایداری است.

از انتظارات مهمّ امام حسن مجتبی علیه السلام این است که شیعیان و پیروان او در تمام مراحل زندگی صابر و بردبار باشند، حضرتش در این زمینه دلسوزانه می فرماید: جَرَّبْنا وَ جَرَّبَ الْمُجَرِّبُونَ فَلَمْ نَرَ شَیْئا اَنْفَعُ وِجْدانا وَ لا اَضَرُّ فِقْدانا مِنَ الصَّبْرِ تُداوی بِهِ الاُْمُورُ؛(14) تجربه ما و دیگران نشان می دهد که چیزی نافع تر از داشتن صبر، و زیان بارتر از فقدان بردباری دیده نشده است، صبری که بوسیله آن تمام [دردها و] امور درمان می شود.

راستی که باید گفت:

صد هزاران کیمیا حق آفرید/ کیمیایی همچو صبر، آدم ندید

امام مجتبی علیه السلام در کلام دیگری فرمود: اَلْخَیْرُ الَّذی لا شَرَّ فیهِ اَلشُّکْرُ مَعَ النِّعْمَةِ وَ الصَّبْرُ عَلَی النّازِلَةِ؛ خیری که شرّ ندارد، شکر در حال نعمت و بردباری در مقابل ناگواری است.(15)

6. دقّت در دوستیابی

رفیق و دوست عمیق ترین تأثیر را بر زندگی و رفتار انسان دارد، تا آنجا که گفته شده: اَلْمَرْءُ عَلی دینِ خَلیلِهِ؛ انسان بر آیین رفیقش است. به این علّت در قرآن و روایات، سخت بر آیین دوست یابی تاکید و سفارش شده است.

امام حسن مجتبی علیه السلام نیز از نزدیکترین افراد خانواده تا شیعیان انتظار دارد که در انتخاب دوست و رفیق دقّت به خرج دهند و مراقب باشند که در دام دوستان ناباب گرفتار نشوند. در سفارشی به یکی از فرزندان خویش فرمود: یا بُنَیَّ لا تُواخِ اَحَدا حَتّی تَعْرِفَ مَوارِدَهُ وَ مَصادِرَهُ، فَاِذَا اسْتَنْبَطْتَ الْخُبْرَةَ وَ رَضیتَ الْعِشْرَةَ فَآخِهِ عَلی اِقالَةِ الْعَثْرَةِ وَ الْمُواساةِ فِی الْعُسْرَةِ؛(16) پسرم! با هیچ کس برادری [و دوستی] مکن مگر آنکه [اوّل] بدانی کجا رفت و آمد دارد و از چه خانواده ای می باشد، هر گاه به این مسئله پی بردی و معاشرت و دوستی او را [طبق معیارها] پسندیدی، پس با او برادری [و دوستی] کن، در گذشتن از لغزشها و همدردی در سختی.

امام حسن علیه السلام درباره دقت در انتخاب دوست؛ فقط به سفارش اکتفا نکرده، بلکه گاه به معرّفی الگوهای عینی، و دوستانی که خود بر اساس معیارهای مطلوب انتخاب نموده می پردازد، و درباره یکی از دوستان خود چنین می فرماید: او از دیدگاه من از همه مردم بزرگتر بود و اساس بزرگی او به دیده من، کوچکی دنیا در دیده او بود، از سلطه جهالت برون بود. دست دراز نمی کرد مگر نزد کسی که مورد اعتماد بود و سُودی در آن وجود داشت، نه شکایتی داشت و نه خشمگین و ناخشنود بود، بیشتر روزگارش را خاموش بود، پس هنگامی که سخن می گفت بر گویندگان و زبان آوران غلبه می یافت. مردی افتاده بود و مردم ناتوانش می انگاشتند؛ اما همین که زمان تلاش و جدّیت فرا می رسید، شیر بیشه را می ماند!.

حضرت در ادامه بیان اوصاف دوست خوبش می فرماید: کانَ اِذا جامَعَ الْعُلَماءَ عَلی اَنْ یَسْتَمِعَ اَحْرَصَ مِنْهُ عَلی اَنْ یَقُولَ، کانَ اِذا غُلِبَ عَلی الْکَلامِ لَمْ یُغْلَبْ عَلَی السُّکُوتِ، کانَ لا یَقُولُ ما لا یَفْعَلُ وَ یَفْعَلُ ما لا یقُولُ، کانَ اِذا عُرِضَ لَهُ اَمْرانِ لا یَدْری اَیُّهُما اَقْرَبُ اِلی رَبِّه نَظَرَ اَقْرَبَهُما مِنْ هَواهُ فَخالَفَهُ، کانَ لا یَلُومُ اَحَدا عَلی ما قَدْ یَقَعُ الْعُذْرُ فی مِثْلِهِ؛(17) چون با دانشمندان جمع می شد به شنیدن بیشتر شیفته بود تا به گفتن. اگر در سخن مغلوب می شد، در خاموشی مغلوب نمی گشت. آنچه را انجام نمی داد نمی گفت، ولی کارهایی انجام می داد که آن را به زبان نمی آورد. اگر در مقابل دو کار قرار می گرفت که نمی دانست کدامیک از آن دو خدا پسندانه تر است، آن را انجام نمی داد که نفسش می پسندید، هیچ کس را به کاری که زمینه عذر در آن بود سرزنش نمی کرد.

1. اسماء بنت عمیس از زنان سعادتمند شمرده می شود، او اوّل همسر جعفر بن ابی طالب بود که از او سه پسر آورد بنام، عبدالله (شوهر حضرت زینب)، عون و محمّد. پس از شهادت جعفر در جنگ موته، با ابوبکر ازدواج نمود که محمد بن ابوبکر را به دنیا آورد و بعد از ابوبکر با امیر مؤمنان علیه السلام ازدواج کرد که ثمره آن پسری به نام یحیی بود.

2. بحار الانوار، ج 43، ص 238 و ر. ک: هاشم معروف الحسنی، سیرة الائمة الاثنی عشر (قم، منشورات الشریف الرضی) ج 1، ص 462.

3. محمدی ری شهری، میزان الحکمة، ج 4، ص 153.

4. بحار الانوار، ج 43، ص 351.

5. تحف العقول (همان)، ص 410، شماره22.

6. منتخب میزان الحکمه، محمدی ری شهری، ص 221، شماره 2628.

7. بحار الانوار، ج 75، ص 111.

8. علی بن شعبه، تحف العقول، انتشارات آل علی علیه السلام ، چاپ اوّل، 1382، ص 408، شماره 17.

9. مجموعه ورّام، ج 1، ص 53.

10. میزان الحکمه، محمدی ری شهری، ج 8، ص 245.

11. بحار الانوار، ج 1، ص 218.

12. بحار الانوار، ج 75، ص 109؛ تحف العقول (همان) ص408، شماره 20.

13. بحار الانوار، ج 44، ص 139.

14. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج 1، ص 320.

15. تحف العقول (همان) ص 404، شماره8.

16. همان، ص 404، شماره 3.

17. همان، ص 406، شماره 13.

مبلغان - مهر و آبان 1383، شماره 59 - انتظارات امام حسن مجتبی علیه السلام از شیعیان

<http://www.hawzah.net/fa/Magazine/View/2689/3843/29529/%D8%A7%D9%86%D8%AA%D8%B8%D8%A7%D8%B1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85-%D8%AD%D8%B3%D9%86-%D9%85%D8%AC%D8%AA%D8%A8%DB%8C-%D8%B9%D9%84%DB%8C%D9%87-%D8%A7%D9%84%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85-%D8%A7%D8%B2-%D8%B4%DB%8C%D8%B9%DB%8C%D8%A7%D9%86/?SearchText=%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85%20%D8%AD%D8%B3%D9%86%20%D9%85%D8%AC%D8%AA%D8%A8%DB%8C&LPhrase>=